

پژوهشهای حقوقی

شماره ۲۰

هزار و سیصد و نود - نیمسال دوم

مقالات

- تفاوت اشتباه و جهل نسبت به موضوع قرارداد
 - ورشکستگی به تقلب و تقصیر؛ از قانون تجارت تا قانون مجازات اسلامی
 - معاونت در جرایم غیر عمدی
 - تحلیل تئوری متحدالشکل سازی حقوق قراردادهای تجاری فراملی
 - مفهوم و ماهیت قراردادهای آتی
 - صلح و حقوق بشر در برنامه درسی با تأکید بر اسناد بین المللی
- موضوع ویژه: حقوق میراث فرهنگی: ظرفیت‌ها و چالش‌ها
- شمشیر کند عدالت در صیانت از میراث فرهنگی
 - ساخت، معرفی، حمل، نگهداری و خریداری نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی
 - حمایت کیفری رایت از آثار معماری
 - برخی تحولات راهبردی استرداد اموال فرهنگی در نظام بین المللی معاصر
 - تحولات جدید اعاده اموال فرهنگی با نگاهی به بازگرداندن اموال فرهنگی به بومی‌ها
 - حمایت از اموال فرهنگی در هنگام مخاصمات مسلحانه
 - تکامل مفهوم «کارکردی» اموال فرهنگی در پرتو انسانی‌تر شدن حقوق بین الملل
 - آسیب شناسی قوانین حمایت از میراث فرهنگی
 - حق بر نام تاریخی خلیج فارس در آیین حقوق بین الملل
 - تأملی در حل و فصل اختلافات راجع به اموال فرهنگی





معاونت در جرایم غیر عمدی

دکتر قاسم محمدی* - احسان عباسزاده امیرآبادی**

چکیده: معاونت در جرم، جرمی عمدی است که در حقوق کنونی ایران به شرط وحدت قصد معاون و مباشر محقق می‌گردد. برداشت معنای تبانی از وحدت قصد و همچنین قائل شدن به فقدان قصد در جرائم غیر عمدی موجب شده است که اغلب حقوقدانان معاونت در جرائم غیرعمدی را در نظام کنونی حقوق جنائی نا ممکن بدانند، اما دریافت مفهوم همسانی از وحدت و پذیرش وجود قصد فعل در جرائم غیرعمدی راه را بر طرح امکان فرض معاونت در جرائم غیرعمدی می‌گشاید. اما کاربرد واژه قصد برای اشاره به رکن روانی جرائم عمدی در گفتمان قانونگذار پذیرش این فرض را با چالش مواجه می‌سازد. این در حالی است که با توجه به اصول حقوق جنائی تحقق معاونت نیازمند وحدت قصد نیست.

کلیدواژه‌ها: معاونت در جرم، معاونت در جرائم عمدی، معاونت در جرائم غیر عمدی، وحدت قصد، علم به قصد

مقدمه

قوانین جنائی برای حفظ امنیت و آسایش عمومی و حمایت از ارزش‌های بنیادین جامعه وضع می‌شوند و از طریق پیش‌بینی ساز و کارهای کیفری، سلامت نظام اجتماعی را تضمین می‌کنند. این قوانین، علاوه بر مباشران اعمال ضد اجتماعی، همکارانشان در ارتکاب این رفتارها را نیز با عناوینی مانند «معاونت در جرم» شایسته تحمل مجازات دانسته‌اند. بدین ترتیب جرم‌انگاری معاونت، اقدامی در راستای توسعه حقوق جنائی به رفتارهایی است که، به رغم عدم تأثیر مستقیم در رکن مادی جرم و اقوی بودن موقعیت مباشر، وقوع عمل مباشر را تسهیل می‌کنند.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه امام صادق (ع)

جریان اصل عمدی بودن جرایم و همچنین تعزیری بودن عنوان معاونت در فقه که مستلزم حرمت شرعی و در نتیجه عمدی بودن رفتار است، تصور «معاونت غیر عمدی» را منتفی کرده، معاونت را در زمره جرایم عمدی قرار می‌دهد. بنابراین، صرف ارتکاب مادی رفتارهای مشمول عنوان معاونت برای تحقق معاونت کافی نبوده، قصد و علم مساعدت کننده نیز باید احراز شود. حقوقدانان در مورد تحقق «معاونت در جرایم عمدی»، به عنوان کامل‌ترین نمونه معاونت، اتفاق نظر دارند؛ اما در باره امکان تحقق «معاونت در جرائم غیر عمدی» غالباً تردید کرده‌اند. در حقوق ایران، نزاع بر سر این مسأله در تفسیر بند یک ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ آغاز شد که به صراحت «باعث و محرک ارتکاب فعل منشأ جرم»، را، فارغ از وضعیت روانی مرتکب، معاون در جرم قلمداد نموده بود. مفاد این ماده ابتدا در سال ۱۳۵۲ به موجب اصلاح قانون مجازات عمومی و سپس در سال ۱۳۷۰ در جریان تصویب قانون مجازات اسلامی دگرگون شد. ماده ۴۳ قانون اخیر علاوه بر حذف عبارت «باعث و محرک فعل منشأ جرم»، و به کارگیری دو واژه «علم» و «عمد»، وجود «وحدت قصد» را نیز در تکوین جرم معاونت شرط می‌داند. مسیری که لایحه قانون مجازات اسلامی نیز پی گرفته است.

ماده ۴۳ بدون ارائه تعریفی از معاونت، شرایط تحقق و ارکان تشکیل دهنده آن را احصا کرده و با کاربرد مکرر دو واژه علم و عمد و مشتقات آن‌ها، اقدامات مشمول عنوان تحریک، ترغیب، تطمیع، دسیسه، فریب، نیرنگ، تهیه وسایل، ارائه طریق و تسهیل را به عنوان معاونت قابل مجازات می‌داند. تبصره یک ماده نیز «وحدت قصد» و تقدم یا اقتران زمانی معاونت با رفتار مباشر را نیز شرط تحقق معاونت دانسته است.

بررسی اعتبار فرض معاونت در جرائم غیر عمدی و امکان پذیرش آن در نظام حقوقی کنونی ایران مستلزم تبیین مفهوم «علم» و «وحدت قصد» است.

الف) معاونت در جرائم غیر عمدی از منظر اصول حقوق کیفری

قصد جنائی توجه آگاهانه اراده به اجزاء رکن مادی جرم است، لذا تحقق جرایم عمدی متوقف بر علم به ماهیت عمل ارتكابی است.^۱ معاونت نیز به عنوان جرمی مستقل، نیازمند علم معاون به ماهیت رفتار خویش از منظر مساعد بودن برای تسهیل جرم است.^۲ بنابراین، معاونت تنها زمانی قابل تحقق است که معاون با آگاهی از تأثیر رفتار خویش در ارتکاب جرم توسط مرتکب، به این عمل مبادرت ورزد.^۳ با خدشه به این آگاهی «به واسطه جهل یا اشتباه» اساساً تحقق معاونت منتفی

۱. محمود نجیب حسینی، النظرية العامة للقصد الجنائي. قاهره: دارالنهضة العربية، بی تا، ص ۶۱.

۲. سمیر عالی، اصول قانون العقوبات (القسم العام). بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع،

۱۹۹۶، ص ۳۲۱.

می‌شود^۴، «زیرا در معاونت نیز، همانند سایر جرایم عمدی، در صورت وقوع جهل یا اشتباه موضوعی، رکن عمد از بین می‌رود و جرم تغییر ماهیت می‌دهد»^۵.
اگر وقوع جرم اصلی را لازمه تحقق معاونت بدانیم نسبت میان عمل معاون و مباشر و کیفیت قصد وقوع آن مهم‌ترین مسأله معاونت است.

۱. رابطه عمل معاون و مباشر

اثرگذاری در وقوع جرمی که دیگری انجام می‌دهد، از سه صورت خارج نیست: «تسبیب»، «مشارکت» و «معاونت». در تسبیب، که از صور «اجتماع سبب و مباشر» است، سبب به واسطه موقعیتی که دارد مسؤول جرم قلمداد شده، مباشر از پاسخ‌گویی معاف خواهد بود. اکراه و امر مجنون و طفل غیر ممیز به ارتکاب جرم مهم‌ترین مصادیق «سبب اقوی از مباشر»^۶ند. در مشارکت، که در واقع تعدد مباشر جرم واحد است، جرم توسط دو یا چند نفر واقع شده و به همه آنها منتسب می‌شود. بدین ترتیب اصطلاح مشارکت از نسبت مساوی این افراد در ارتکاب جرم حکایت دارد. اما در معاونت، جرم اصلی منتسب به مباشر بوده و معاون تنها به واسطه تسهیل ارتکاب آن، مجرم قلمداد می‌شود.

تحقق معاونت منوط به وقوع جرم اصلی است، چرا که معاونت در یک جرم زمانی معنا دارد که آن جرم وجود داشته باشد. بدین ترتیب به رغم آنکه معاون مسؤول و مرتکب جرم اصلی نیست اما جرم بودن عمل او مشروط به ارتکاب جرم اصلی است. معاون عاملی است که وجودش برای تحقق جرم لازم است اما جرم اصلی را نمی‌توان نتیجه معاونت به شمار آورد؛ زیرا نسبت میان عمل و نتیجه آن نسبتی سببی است که در میان معاونت و جرم اصلی مشاهده نمی‌شود. «سبب» عاملی است که وجود آن نتیجه را حاصل می‌کند و نبود آن نیز مساوی با نبود نتیجه است. حال آنکه حتی اگر معاونت را لازمه وقوع جرم بدانیم عدم آن با عدم تحقق جرم ملازمه نخواهد داشت.

معاون تنها می‌تواند سبب عملی شناخته شود که جرم اصلی از آن ناشی می‌شود؛ مثلاً کسی که از طریق ارائه اسلحه در ارتکاب قتلی عمدی معاونت کرده است سبب وقوع قتل نیست؛ اما در مورد عملی که موجب قتل بوده که همانا شلیک با اسلحه است، سبب تلقی می‌شود. چراکه اگر معاون نبود اسلحه‌ای که به موجب همکاری او در اختیار مباشر قرار گرفته بود در صحنه آن جنایت شلیک نمی‌شد.

سببیت معاون نسبت به عمل مباشر نیز جنبه تولیدی ندارد، بلکه مؤثر در تحقق آن است، زیرا پذیرش سببیت تولیدی مباشرت را بر عهده فردی می‌گذارد که معاون می‌نامیم. این نظر با توجه به

4. Jean Pradel, *Droit pénal*. Paris: Cujas, 1994, p. 459.

۵. پرویز صانعی، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲. تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۱، ص. ۶۵.

۶. عوض محمد، *قانون العقوبات: القسم العام*، اسکندریه: دارالمطبوعات الجامعیه، ۱۹۹۴، ص. ۳۸۸.

تفکیک مشارکت از معاونت در حقوق ایران بهتر فهمیده می‌شود. زیرا هر گونه مداخله در رکن مادی جرم و سببیت در نتیجه آن فرد را از معاونت به مرتبه مشارکت ارتقاء می‌دهد. حال آنکه معاون نه شریک جرم است و نه به واسطه عمل مباشر مجازات می‌شود بلکه فردی است که به واسطه تسهیل ارتکاب جرم مستحق سرزنش شناخته شده است. از همین رو به درستی قانون مجازات عمومی از عبارت «باعث و محرک ارتکاب فعل منشأ جرم» بهره گرفته بود.

اگر بخواهیم سببیت معاون در وقوع فعل منشأ جرم را احراز کنیم لازم خواهد بود ثابت شود که عمل معاون مناسب و مؤثر برای تسهیل آن بوده و در صورت عدم همکاری معاون واقع نمی‌شده است. لذا از سویی صرف تشویق و ترغیب دیگری به انجام یک عمل را نمی‌توان معاونت به شمار آورد و از سوی دیگر معاونت همکاری با مباشر برای تحقق اندیشه مجرمانه او نیست بلکه همکاری در وقوع عملی است که قصد انجام آن را دارد.^۷ موید این مطلب آنکه تبانی بر ارتکاب جرم در حقوق برخی کشورها از جمله حقوق کنونی ایران از عداد معاونت خارج بوده و مستقلاً جرم‌انگاری شده است.

حقوق جنائی، به اقتضای پذیرش اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری، بر مفهوم مسؤولیت انحصاری فاعل مادی رفتارهای ممنوع تأکید می‌ورزد و هیچ کس را در برابر رفتاری که دیگری مرتکب آن شده است، مسؤول نمی‌داند.^۸ اما معاون از سویی باید بر مبنای عمل خود مجازات شود و از سوی دیگر عمل او به موجب تسهیل عمل مجرمانه فرد دیگر و در صورت تحقق آن جرم خواهد بود. این معما را حقوقدانان در ارتباط میان قصد معاون و قصد مرتکب گشوده‌اند مسأله‌ای که خود مبتنی بر وجود نوعی آگاهی در معاون است.

۲. آگاهی معاون از جرم اصلی

آگاهی مجرم از ماهیت رفتار خویش، مستلزم علم به نفس عمل و نتایج آن است. بدین ترتیب اگر رفتار مباشر را نتیجه معاونت به شمار آوریم در هر حال معاون باید از رتار مباشر آگاه باشد. این آگاهی مربوط به وصف جنائی عمل مزبور نیست زیرا آگاهی از ممنوعیت یا قانون لازم‌ه مجرم شناخته شدن فرد به شمار نمی‌آید. از این رو بحث از متعلق علم معاون و همچنین کیفیت آن ضروری می‌نماید.

۲-۱. متعلق آگاهی

آگاهی معاون به جرم اصلی به دو شکل قابل تبیین است: یک، آگاهی معاون از ماهیت رفتار مباشر - که لازمه آن علم به اجزای سازنده رکن مادی جرم ارتکابی نظیر رفتار، اوضاع و احوال و نتیجه

۷. همان.

۸. محمدعلی اردبیلی، «مسؤولیت کیفری ناشی از فعل دیگری در حقوق کیفری ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۷-۱۶، ۱۳۷۵، ص. ۲۲۳.

است؛ دو، آگاهی معاون از قصد مباشر - که متوقف بر علم به قصد فعل در جرایم مطلق، قصد نتیجه در جرایم مقید و احیاناً انگیزه در برخی جرائم است؛ که کیفیت تبیین پذیرفته شده نقش عمده‌ای در اعتبار فرضیه تحقق معاونت در جرایم غیر عمدی ایفا می‌کند.

۲-۱-۱. آگاهی معاون از ماهیت رفتار مباشر

علم معاون به ماهیت عمل مباشر و عمد در همکاری با وی برای تکوین جرم معاونت ضروری است، زیرا این میزان از آگاهی لازمه عمدی بودن معاونت است. اگر به این میزان از آگاهی برای تحقق معاونت اکتفا کنیم، احراز قصد مباشر برای معاون ضروری نخواهد بود. با این تبیین معاونت قصد تحقق رفتار مجرمانه از سوی مباشر از طریق ارتکاب اعمال مساعدتی بوده و عمد یا تقصیر مباشر، در ارتکاب رفتار یا وقوع نتیجه، فاقد اهمیت خواهد بود.^۹

بدین ترتیب، هرگاه کسی با آگاهی از ماهیت جنائی رفتار دیگری عمل وی را تسهیل نماید؛ به عنوان معاون قابل تعقیب و مجازات است، هر چند مرتکب از روی بی احتیاطی و بی مبالاتی مرتکب جرم شده باشد. زیرا معاون ارتکاب رفتار مقرون به تقصیر از سوی مباشر را قصد نموده است. بنابراین در صورت تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع یا فریب دیگری به ارتکاب جرم غیر عمدی یا فراهم نمودن مقدمات و تسهیل آن، به قصد ارتکاب جرم مذکور از سوی مباشر، معاونت محقق می‌گردد.

نکته قابل توجه در علم معاون آن است که اگر عمل ارتكابی در حال انجام باشد و معاون در این موعده با فرد معاونت کند ماهیت عمل از طریق مشاهده نفس عمل قابل درک خواهد بود، اما اگر معاونت پیش از ارتکاب عمل اصلی باشد معاون باید از طریق آگاهی از قصد مرتکب یا توجه به اوضاع و احوال، ماهیت عملی را که قرار است واقع شود در یابد. البته معاونت زمانی محقق خواهد شد که همان عملی که معاون قصد تحقق آن را داشته است توسط مرتکب واقع شود.

۲-۱-۲. آگاهی معاون از قصد مباشر

این تبیین که تحقق جرم معاونت را به «آگاهی معاون از قصد مباشر» منوط می‌کند، بر این ایده استوار است که همکاری و معاضدت با مرتکب جرم زمانی محقق می‌شود که قصد او برای معاون معلوم باشد.

بدین ترتیب برای تحقق معاونت که قطعاً منحصر به جرایم مقید نیست حداقل آگاهی از قصد مباشر به انجام عملی که ماهیت آن برای معاون معلوم است لازم خواهد بود. اما برای تحقق معاونت در جرایم مقید اطلاع از قصد نتیجه و در جرائمی که وجود انگیزه‌ای خاص نزد مرتکب لازم است اطلاع از آن انگیزه نیز لازم خواهد بود. آگاهی از قصد از آن جهت مد نظر این تبیین قرار گرفته است که معاونت «اشتراک قصد» پنداشته شده است؛ حال آنکه معاونت نیازمند «قصد

۹. عوض محمد، قانون العقوبات: القسم العام، ص. ۳۸۸.

اشتراک» یا به تعبیری مناسب‌تر با حقوق ایران «قصد معاونت» است. این مسأله را ذیل عنوان قصد بیشتر بررسی خواهیم کرد.

۲-۲. کیفیت علم

برخی حقوق‌دانان در تحقق «آگاهی» علاوه بر یقین، ظن نوعی را نیز معتبر دانسته‌اند. از این رو عدم یقین فرد معاضدت‌کننده به قصد جنائی فاعل مانع از تحقق معاونت نبوده، صرف گواهی قرائن و اوضاع و احوال به مجرمانه بودن رفتار مباشر، موجبات مسؤولیت کیفری معاضدت‌کننده را فراهم می‌آورد. در این موارد عمل منتهی به وقوع جرم به کیفیتی است که نتیجه قابل پیش‌بینی بوده است، هرچند مرتکب قصد نتیجه آن را نداشته باشد. مثلاً اگر کسی اتومبیلی فاقد ترمز را با اطلاع از وضعیت آن در خیابانی پر جمعیت براند که احتمال گذر اتومبیل مذکور از میان جمعیت بدون ایجاد سانحه بسیار ضعیف و در مقابل احتمال وقوع حادثه نزدیک به یقین باشد در صورت وقوع قتل یا جرح غیر عمدی راننده مسؤول خواهد بود، چون اگر چه جرح یا قتل را نمی‌خواست و ولی باید آن را پیش‌بینی می‌کرده است. در این فرض گذاشتن چنین اتومبیلی در اختیار راننده به ویژه اگر مهارت لازم برای کنترل آن را نیز نداشته باشد، معاونت در جرم مزبور تلقی می‌گردد. زیرا احتمال وقوع جرم به حدی قوی است که می‌توان گفت تهیه‌کننده وسیله با علم به اینکه عمل مجرمی را تسهیل می‌کند به او کمک کرده است.^{۱۰}

این ایده را می‌توان در نظریه قصد احتمالی (در برابر قصد جزمی) نیز مشاهده کرد. قصد جزمی، اراده یقینی مجرم برای تعدی به حق مورد حمایت قانون است که لازمه آن، علم یقینی به عناصر جرم است.^{۱۱} در قصد جزمی مرتکب با علم و آگاهی فعل مجرمانه را انجام داده و به صراحت خواهان تحقق جرم است؛ مانند اینکه کسی به قصد قتل دیگری جراحی به وی وارد نماید. گاهی نیز به رغم فقدان قصد قطعی و یقینی، عمل مرتکب به گونه‌ای است که غالباً وقوع جرم را در پی دارد که مشمول احکام مربوط به قصد جزمی قرار گرفته است. بند ب ماده‌ی ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی، چنین رفتارهایی را «فعل نوعاً کشنده» نامیده است. مانند آنکه فردی به انگیزه دریافت خسارت از شرکت بیمه، در میانه اقیانوس، کشتی مسافری خود را سوراخ کرده، موجبات غرق شدن مسافران را فراهم آورد.^{۱۲}

«در مقابل، قصد احتمالی وضعیت ذهنی فردی است که با وجود آگاهی نسبت به اینکه ممکن است رفتارش به یک مصلحت مورد حمایت خدشه وارد کند یا یک وضعیت مجرمانه را محقق

۱۰. علی صدارت، «آیا در جرم غیرعمدی معاونت قابل تصور است؟»، *مجله کانون وکلا*، ش ۹۳، ۱۳۴۳، ص. ۱۵.

۱۱. محمود نجیب حسنی، *شرح قانون العقوبات (القسم الخاص)*، قاهره: دارالنهضة العربیه، ۱۹۹۲، ص. ۳۴۷.

۱۲. حسین میرمحمدصادقی، *تقریرات درس حقوق جزای عمومی کارشناسی*، تدوین: مجید ادیب. تهران: دانشگاه

امام صادق، ۱۳۷۵، ص. ۱۷.

کند، بدون یقین به وقوع آن وضعیت، بر ارتکاب آن رفتار پافشاری می‌کند»^{۱۳}. نظیر موردی که مدیر یک شرکت حمل و نقل هوایی هواپیمایی را، با وجود اینکه می‌داند این هواپیما هرگز واجد شرایط پرواز نیست، وادار به حرکت کند و در جریان حمل و نقل، مسافران کشته شوند^{۱۴}.

نظریه قصد احتمالی در واقع این نکته را بیان می‌کند که عامل نمی‌تواند با طرح این مطلب که نتیجه حاصله را قصد نکرده یا از عدم تحقق آن خوشحال می‌شده؛ از مسؤلیت پیامدهای فعل خویش بگریزد.^{۱۵} البته ملاک تشخیص جرمی یا احتمالی بودن قصد، شخصی است و برای احراز آن باید به ذهن مرتکب مراجعه کرد^{۱۶}.

بدین ترتیب در معاونت قطع به وقوع جرم از سوی مباشر لازم نیست و احتمال آن کافی خواهد بود. لذا اگر فرد با وجود احتمال وقوع جرم به موجب عمل شخصی به انجام آن کمک کند، در صورت بروز پیامدی جنائی، در خصوص این همکاری مسؤول خواهد بود.

۳. قصد معاون نسبت به جرم اصلی

معاون جرم همچون مباشر آن، زمانی قابل تعقیب کیفری است که دارای سوء نیت و قصد مجرمانه باشد.^{۱۷} این قصد همانی است که هر جرم عمدی نیازمند آن است، که شامل قصد انجام عمل و قصد تحقق نتیجه آن در عین آگاهی از ماهیت عمل ارتكابی است.

آگاهی معاون از ماهیت عمل مورد اراده مرتکب و قصد تحقق آن از طریق انجام رفتارهای مشمول عنوان معاونت برای تحقق معاونت کافی است. بدین ترتیب معاون به صرف داشتن قصد تحقق جرم از سوی مرتکب و تلاش فیزیکی برای تحقق آن، مشروط به تحقق عمل مذکور مجرم خواهد بود.^{۱۸} لذا هر گاه جرم واقع شده توسط مباشر با جرم قصد شده توسط معاون بی‌ارتباط باشد؛ معاونت محقق نمی‌شود و هرگاه جرم ارتكابی، همان جرم قصد شده باشد؛ معاونت محقق می‌شود هر چند که این جرم در شرایطی متفاوت از آنچه در ابتدا پیش‌بینی می‌شد، واقع شده باشد.^{۱۹} بدین ترتیب شخصی که اسلحه خود را به دیگری قرض می‌دهد تا به منظور اخاذی شخص ثالثی را مورد تهدید قرار دهد اما مرتکب، به جای تهدید، عمداً شخص ثالث را می‌کشد،

13. Jcaques-Henri Robert, *Droit pénal général*. Paris: Presses Universitaires de France, 1992, p. 350.

14. Gaston Stefani et Georges Levasseur et Bernard Bouloc, *Droit pénal général*. Paris: Dalloz, 1992, p. 220.

15. Christiane Hennau et Jacques Verhaegen, *Droit pénal général*. Bruxelles: Etablissements Emile Bruyant, 1995, p. 298.

۱۶. عباس زراعت، حقوق جزای عمومی، ج ۱. تهران: ققنوس، ۱۳۸۶، ص ۱۹۸.

۱۷. عباس زراعت، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش کلیات. تهران: ققنوس، ۱۳۸۷، ص ۳۳۵.

Gaston Stefani et Georges Levasseur, *Droit pénal général et criminologie*. Paris: Dalloz, 1957, p. 226.

۱۸. عوض محمد، قانون العقوبات: القسم العام، ص ۳۸۴.

19. Frédéric Desportes et Francis Le Gunehec, *Le nouveau droit pénal*. Paris: economica, 1996, p. 424.

به عنوان معاون قتل قابل مجازات نخواهد بود.^{۲۰} «بنابراین عدم آگاهی معاون نسبت به مداخله در فرآیند ارتکاب جرایم عمدی یا غیرعمدی توسط مباشر و صرف ابراز رفتار تحریک‌آمیز، اگر نسبت به جرم خاصی صورت نگیرد، برای تحقق جرم معاونت کافی نمی‌باشد»^{۲۱} «زیرا معاونت مستلزم همکاری ارادی در عمل مجرمانه دیگری است»^{۲۲}. به همین دلیل معاون تنها در حدود قصد خود مسئولیت داشته و در قبال سایر جرایم ارتكابی مباشر مسئولیتی ندارد. بدین ترتیب «انتفای قصد مجرمانه معاون نافی مسئولیت کیفری وی در قبال جرم ارتكابی است هر چند که افعال و فعالیت‌های وی از جهت مادی در حدوث جرم مؤثر باشد»^{۲۳}. بدیهی است در غیر این صورت، قابل مجازات بودن معاونت بیم گسترش نامحدود سرکوبی کیفری را به همراه دارد؛ چرا که افراد همواره نگران خواهند بود که با ارائه خدماتی جزئی نظیر نشان دادن یک خیابان، اعلام ساعت یا نقل یک حکایت در یک جرم سهیم شوند.^{۲۴}

وحدت قصد مباشر و معاون مستلزم یکی بودن قصد آنان است، با این تفاوت که قصد مباشر معطوف به عمل خودش و احياناً نتیجه آن است اما قصد معاون معطوف به عمل خودش و نتیجه آن می‌باشد، که همان عمل مباشر است. بدین ترتیب وحدت همراهی اراده آنان در ارتکاب یک یا چند جرم مشخص می‌باشد و مستلزم ارتباط معاون و مباشر در قالب اتفاق نظر، تبانی یا تفاهم نمی‌باشد^{۲۵}؛ بلکه می‌تواند بدون وجود ارتباط میان معاون و مباشر محقق گردد. به عنوان مثال اگر فردی در وضعیتی که سرعت عموماً منجر به حادثه می‌شود، دوست خود را به افزودن سرعت و رانندگی با سرعت غیرمجاز تحریک یا تشویق کند و به موجب آن حادثه‌ای واقع و عابری کشته شود این فرد معاون در قتل غیر عمدی ناشی از حادثه رانندگی خواهد بود زیرا وقوع آن قابل تصور و پیش‌بینی بوده است.^{۲۶}

ب) معاونت در جرائم غیر عمدی در نظام کیفری کنونی

ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی رفتارهایی را ذکر کرده و مرتکب آن‌ها را معاون جرم «محسوب» می‌کند. استفاده از عبارت «محسوب می‌شود» می‌تواند متضمن این پیام باشد که معاونت از نظر قانون، به مصادیق مندرج در متن ماده اطلاق می‌شود و رابطه ضروری با معنای واژگانی معاونت ندارد. اصل قانونی بودن جرم و مجازات نیز مقتضی همین تفسیر است. عبارت قانونگذار نشان

۲۰. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص. ۹۸.

21. Georges Vermelle, *Le Nouveau droit pénal*. Paris: Dalloz, 1994, p. 95.

22. Michèle-Laure Rassat, *Droit pénal*. Paris: Presses Universitaires de France, 1987, p. 436.

۲۳. محمد الرازقی، محاضرات فی القانون الجنایی (القسم العام). بیروت: دار الكتاب الجدیدة المتحدة، ۲۰۰۲، ص. ۲۱۴.

24. Jacaues-Henri Robert, *Droit pénal général*, p. 364.

۲۵. عوض محمد، قانون العقوبات: القسم العام، ص. ۳۸۹.

۲۶. ایرج گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی. تهران: میزان، ۱۳۷۷، ص. ۲۶۵.

می‌دهد که معاونت، اصطلاحی ویژه است که مفهوم و مصادیق آن را قانون معین می‌کند. بدین ترتیب ممکن است برخی صورت‌های ذکر شده در ماده، معاونت در معنای حقیقی آن نبوده بلکه رفتارهایی «در حکم معاونت» باشد. از این رو رعایت تمام قیود ذکر شده در ماده ۴۳ برای تحقق معاونت ضروری خواهد بود.

قانونگذار در تبصره یک ماده با پیش‌بینی شرط «وحدت قصد» تحقق معاونت را مشروط به «تقدم یا مقارنت زمانی» رفتار معاون نسبت به ارتکاب جرم می‌کند. قید نخست به عنوان قیدی افزون بر آنچه در متن ماده آمده است شرطی را در رکن روانی معاونت ایجاد می‌کند، اما قید اخیر از تأثیر رفتار معاون نسبت به جرم ارتكابی مباشر حکایت می‌کند و با ماهیت عمل ارتكابی مباشر پیوند ندارد.

۱. آگاهی لازم برای معاونت در ماده ۴۳

ماده ۴۳ در ذکر موارد معاونت سه روش را در پیش گرفته است که در نتیجه سه دسته رفتارهای معاونتی قابل شناسایی است. بررسی نتیجه این روش عمل می‌تواند در فهم بهتر نظر قانونگذار مؤثر باشد.

۱-۱. عدم ذکر قید «علم»

در بند یک ماده که در بردارنده دو گروه از موارد معاونت است قانونگذار اشاره‌ای به قید علم نمی‌کند. در این بند تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع «برای ارتکاب جرم» و دسیسه و فریب و نیرنگ «برای وقوع جرم» است. از این رو اگر علم به جرم بودن عمل مباشر نیز لازم نباشد، حداقل علم به ماهیت عمل ارتكابی ضروری است. مثلاً در خصوص سرقت، معاون حتی اگر نداند که چنین عملی جرم و مستلزم مجازات است، باید بداند مال متعلق به دیگری است و مرتکب حق تصرف در آن را ندارد. چرا که علم به قانون یا جرم بودن عمل در تحقق رکن روانی جرم لازم نیست.^{۲۷} بدین ترتیب برای تحقق معاونت در بند ۱ ماده ۴۳ علاوه بر عمد حداقل علم معاون به ماهیت عمل ارتكابی مباشر لازم است.

۱-۲. تصریح به قید «علم»

در صدر بند ۲ و همچنین بند ۳ ماده، قید علم ذکر شده است. در این دسته از موارد معاونت، قانونگذار به صراحت عمدی بودن رفتارهای مذکور را یادآور شده از قید «با علم» و «عالماً» نیز بهره می‌برد، اما متعلق علم را معین نمی‌کند.

عدم ذکر متعلق علم در این دو بند، حکم مندرج در آن‌ها را با اجمال رو به رو نموده است. اما با توجه به اینکه عمدی بودن عمل بدون اطلاع از ماهیت عمل خویش ممکن نیست متعلق «عالماً»

یا «با علم» را نمی‌توان عمل ارتكابی خود معاون تفسیر کرد؛ زیرا عدم علم به ماهیت عمل خود، عمدی بودن رفتار معاون را مخدوش خواهد کرد. ممکن است مقنن از استعمال واژه «علم» چیزی فراتر از آگاهی معاون از رفتار خود مانند آگاهی از رفتار فیزیکی مورد نظر مباشر یا قصد او را در نظر داشته باشد که فرض اخیر به صراحت در دسته سوم از موارد معاونت ذکر شده است. در این میان آگاهی از رفتار فیزیکی مرتکب لازمه تحقق مفهوم همکاری و مساعدت است و حداقل چیزی است که می‌تواند مد نظر قانونگذار باشد.

۱-۳. تصریح به «علم به قصد مرتکب»

در ذیل بند ۲ قانونگذار، «علم به قصد مرتکب» را شرط تحقق معاونت بر می‌شمارد. تنها رفتاری که با این روش تبیین شده «ارائه طریق» است. بدین ترتیب تحقق معاونت با عمل «ارائه طریق» افزون بر اطلاع معاون از ماهیت عمل ارتكابی مباشر، نیازمند آگاهی وی از قصد مباشر نیز خواهد بود. قصد مرتکب را می‌توان قصد انجام عمل و در جرایم مقید علاوه بر آن قصد تحقق نتیجه دانست. این در حالی است که قانونگذار در برخی جرایم علاوه بر قصد نتیجه قصد دیگری را نیز مد نظر قرار می‌دهد که مصادیق آن را می‌توان در ماده ۶۹۸ و ۵۱۲ مشاهده کرد.

۲. قصد لازم برای معاونت در ماده ۴۳

قانونگذار در تبصره یک ماده ۴۳، در مقام بیان شرایط تحقق جرم معاونت به لزوم وحدت قصد مباشر و معاون تصریح نموده است. برای فهم این قید بررسی معنای هر دو جزء آن یعنی قصد و وحدت ضروری است.

۲-۱. وحدت: تبانی یا همسانی

تبیینی که برخی حقوقدانان از «وحدت» ارائه می‌دهند به مفهوم «تبانی» نزدیک می‌شود. گو اینکه معاون و مباشر باید بر ارتكاب جرمی خاص با هم توافق کنند. از همین رو در رد نظریه معاونت در جرائم غیر عمدی بر این نکته تأکید می‌ورزند که مرتکب خطاکار امکان توافق بر قصد با معاون را ندارد. این دیدگاه گمان برده است وحدت قصد به معنای توافق معاون و مباشر است. حال آنکه لازمه معاونت همراه شدن قصدها است بدون نیاز به توافقی افزون بر آن.

معاونت نیازمند تبانی برای ارتكاب جرم نیست بلکه «همسان بودن» قصد نتیجه معاون با قصد فعل مباشر حین انجام اقدامات مساعدتی مورد نیاز است. برای تحقق این مسأله حتی اطلاع معاون از قصد مرتکب اصلی نیز لازم نیست مگر در جایی که علم به ماهیت عمل جز از طریق علم به قصد به دست نیاید. با این حال علم مرتکب به آگاهی معاون از ماهیت عمل یا قصد او نیز برای تحقق معاونت ضروری به نظر نمی‌رسد و منظور از وحدت قصد تنها یکی بودن قصد معاون و مباشر است و نه چیزی بیش از آن.

۲-۲. قصد فعل یا قصد نتیجه

برخی حقوقدانان بر این باورند که تحقق «وحدت قصد» با غیر عمدی بودن جرم مرتکب منافات دارد.^{۲۸} زیرا مفهوم معاونت کمک و همراهی به مجرم اصلی برای تحقق بخشیدن به نیت بزهکارانه وی می‌باشد و این امر فرع آن است که مجرم اصلی قصد مجرمانه داشته باشد.^{۲۹} حال آنکه در جرم غیر عمدی قصدی وجود ندارد. اما معاونت «همکاری برای تحقق بخشیدن به نیت بزهکارانه» نیست، بلکه «همکاری در ارتکاب عمل مجرمانه» است.^{۳۰} از این رو منظور از «وحدت قصد» وجود وحدت در قصدی است که از مباشر انتظار می‌رود، «یعنی قصد انجام فعل ارتكابی بدون قصد نتیجه. برای مثال، برای تحقق جرم قتل یا ایراد جراحی یا صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از عدم رعایت نظامات دولتی (مثلاً مستی در حال رانندگی که در ماده‌ی ۷۱۸ «قانون مجازات اسلامی» و مواد قبل از آن مورد اشاره قرار گرفته است) راننده یا متصدی وسیله موتوری باید قصد فعل، یعنی «قصد رانندگی کردن در حال مستی» را داشته باشد. حال اگر شخص دیگری در همین میزان از قصد با وی وحدت داشته، یعنی قصد تهیه وسایل ارتکاب چنین جرمی را داشته باشد و برای مثال در حال رانندگی لیوان‌های پر از مشروب را یکی پس از دیگری به راننده بدهد، وی را می‌توان معاون در قتل یا صدمات غیر عمدی حاصله دانست».^{۳۱}

مخالفان نظریه معاونت در جرایم غیر عمدی با تمسک به دلالت اصطلاح «وحدت قصد» بر این باورند که «وحدت قصد» به معنای همانندی و مطابقت قصد معاون و قصد مباشر است که این مستلزم وجود قصد در جانب مرتکب است و چون در جرایم غیر عمدی، قصدی وجود ندارد تا با قصد معاون مطابقت کند، بنابراین، وحدت قصد بین معاون و مباشر در جرائم غیر عمدی منتفی است.^{۳۲} زیرا «اگر فقط یکی از آنها قاصد بوده و دیگری به طور غیر عمدی اقداماتی را انجام داده باشد، شرایط لازم در تکوین رکن روانی معاونت در جرم فراهم نشده است».^{۳۳}

این استدلال مبتنی بر دو مقدمه است: یک اینکه، با توجه به لزوم وحدت قصد در معاونت، هر گونه فقدان وحدت قصد به معنای عدم تحقق معاونت است؛ و دو اینکه، در جرائم غیر عمدی قصدی وجود ندارد. و بدین ترتیب نتیجه می‌گیرد که چون مرتکب اصلی فاقد قصد است پس وحدت قصد منتفی است که این به معنای انتفای معاونت است.

مقدمه دوم درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اگر قصد به معنای قصد فعل (اراده) یا اعم از آن و

۲۸. مصطفی العوجی، المسؤلیه الجنائیه. بیروت: نوفل، ۱۹۹۲، ص. ۱۸۸.

۲۹. محمد باهری، نگرشی بر حقوق جزای عمومی. تهران: مجد، ۱۳۸۹، ص. ۲۴۶.

۳۰. حسین میرمحمدصادقی، تقریرات درس حقوق جزای عمومی کارشناسی، ص. ۷۷.

۳۱. حسین میرمحمدصادقی، جرایم علیه اشخاص. تهران: میزان، ۱۳۸۸، ص. ۳۷۷.

۳۲. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲. تهران: میزان، ۱۳۸۸، ص. ۵۶.

۳۳. محمدهادی صادقی، جرایم علیه اشخاص (صدمات جسمانی). تهران: میزان، ۱۳۸۹، ص. ۲۴۵.

قصد نتیجه باشد قطعاً جرائم غیر عمدی نیز واجد قصداند. مگر آنکه استدلال کنندگان قصد را به معنای قصد نتیجه در نظر بگیرند که در چنین شرایطی باید بدین امر ملتزم باشند که در جرائم مطلق معاونت محقق نخواهد شد. مضافاً اینکه اگر این گروه جرائم مادی صرف را نیز بپذیرند باید از پذیرش معاونت در ارتکاب آنها نیز بپرهیزند.

مقدمه یکم نیز محل اشکال است. فرض کنیم درباره مقدمه دوم حق با استدلال کنندگان است و فاعل خطا کار فاقد قصد است، این به معنای تفاوت قصدها نخواهد بود بلکه به معنای سلب وحدت قصد به انتفای موضوع آن است. حال سوالی که مطرح است این است که شرطی که قانونگذار از آنها سخن می‌گوید آیا در صورت انتفای موضوعی نیز دارای مفهوم مخالف بوده و انتفای آنها منجر به نفی حکم (در اینجا معاونت) خواهد شد؟

به نظر می‌رسد پاسخ منفی است. زیرا شرط وحدت زمانی معنا دارد که قابل تحقق باشد و در جایی که تحقق آن ناممکن است شرط بودن آن نیز ناممکن است.

مشکل تنها در اینجا است که قانونگذار همواره قصد را در اشاره به رکن روانی جرائم عمدی به کار می‌برد و به کار بردن آن در معنای اراده به عنوان عنصر مشترک جرائم عمدی و غیر عمدی خلاف گفتمان قانونگذار است.

نتیجه‌گیری

نظریه معاونت در جرائم غیر عمدی از منظری تحلیلی و فارغ از قانون مجازات اسلامی قابل پذیرش بلکه توجه به آن ضروری است، اما شرط وحدت قصد مندرج در این قانون با توجه به کاربرد اختصاصی واژه قصد در رکن روانی جرائم عمدی تطبیق این نظریه را با متون قانونی دشوار می‌سازد، زیرا از سویی تفسیر متن قانونی بر خلاف گفتمان زبانی قانونگذار درست نخواهد بود و از سوی دیگر اصل تفسیر محدود قوانین کیفری نیز در تلقی عامی که از آن وجود دارد مانع از گسترش دامنه عنوان مجرمانه معاونت به موارد معاونت در جرائم غیر عمدی می‌شود.

با این حال اگر قتل یا ضرب و جرح شبه عمدی را به تصریح ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی نوعی جرم غیر عمدی بدانیم با توجه به تصریح قانون به وجود عنصر قصد در آنها باید جریان فرض معاونت در جرائم غیر عمدی را حد اقل به نحو محدودی در حقوق ایران بپذیریم. افزون بر این برخی حقوقدانان قتل ناشی از اقدام به عمل نوعاً کشنده را قتل در حکم عمدی نامیده‌اند که اگر نظر آنان را این‌گونه تفسیر کنیم که ماهیت این نوع قتل‌ها را غیر عمدی دانسته‌اند معاونت در این دسته از جرائم نیز مورد اتفاق همه حقوقدانان و قانونگذار است.

این در حالی است که معاونت در قتل عمدی در رویه قضایی منوط به قصد معاون به قتل فرد خاص شده است که به نظر نادرست می‌رسد، چرا که در معاونت قصد تسهیل ارتکاب جرم محل بحث است و معین بودن مجنی علیه تأثیری در معاونت ندارد.

در نهایت با توجه به اتقان نظریه معاونت در جرم غیر عمدی و ابهام موجود در خصوص

پذیرش آن توسط قانونگذار به نظر می‌رسد قانونگذار می‌تواند با پذیرش صریح این نظریه از وقوع جرائم غیر عمدی نیز بکاهد. اما اگر نظر قانونگذار بر عدم پذیرش این نظر باشد لازم است از تعبیری رساتر از «وحدت قصد» در این زمینه بهره‌گیری کرد.

فهرست منابع

- اردبیلی، محمدعلی. «مسئولیت کیفری ناشی از فعل دیگری در حقوق کیفری ایران». تحقیقات حقوقی، ش ۱۷-۱۶، ۱۳۷۵.
- اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی، ج ۲. تهران: میزان، ۱۳۸۸.
- باهری، محمد. نگرشی بر حقوق جزای عمومی. تهران: مجد، ۱۳۸۹.
- زراعت، عباس. حقوق جزای عمومی، ج ۱. تهران: ققنوس، ۱۳۸۶.
- زراعت، عباس. شرح قانون مجازات اسلامی، بخش کلیات. تهران: ققنوس، ۱۳۸۷.
- صادقی، محمدهادی. جرایم علیه اشخاص (صدمات جسمانی). تهران: میزان، ۱۳۸۹.
- صانعی، پرویز. حقوق جزای عمومی، ج ۲. تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۱.
- صدارت، علی. «آیا در جرم غیر عمدی معاونت قابل تصور است؟». مجله کانون وکلا، ش ۹۳، ۱۳۴۳.
- گلدوزیان، ایرج. بایسته‌های حقوق جزای عمومی. تهران: میزان، ۱۳۷۷.
- میرسعیدی، منصور. مسئولیت کیفری، جلد اول. تهران: میزان، ۱۳۸۲. میرمحمدصادقی، حسین. تقریرات درس حقوق جزای عمومی کارشناسی، تدوین: مجید ادیب. تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۵.
- میرمحمدصادقی، حسین. جرایم علیه اشخاص. تهران: میزان، ۱۳۸۸.
- الرازقی، محمد. محاضرات فی القانون الجنائی (القسم العام). بیروت: دار الكتاب الجدیدة المتحدہ، ۲۰۰۲.
- عالیه، سمیر. اصول قانون العقوبات (القسم العام). بیروت: المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۹۹۶.
- العوجی، مصطفی. المسؤولیة الجنائیة. بیروت: نوفل، ۱۹۹۲.
- القهووجی، علی عبدالقادر. شرح قانون العقوبات (القسم العام). بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۹.
- نجیب حسنی، محمود. شرح قانون العقوبات (القسم الخاص). قاهره: دارالنهضة العربیة، ۱۹۹۲.
- نجیب حسنی، محمود. النظریة العامه للقصد الجنائی. قاهره: دارالنهضة العربیة.
- Desportes, Frédéric et Legueneh, Francis. Le nouveau droit pénal. Paris: économica, 1996.
- Hennau, Christiane et Verhaegen, Jacques, Droit pénal général. Bruxelles: Etablissements Emile Bruyant, 1995.
- Pin, Xavier, Droit pénal général. Paris: Dalloz, 2009.
- Pradel, Jean, Droit pénal. Paris: Cujas, 1994.
- Rassat, Michèle-Laure, Droit pénal. Paris: Presses Universitaires de France, 1987.
- Robert, Jacques-Henri, Droit pénal général. Paris: Presses Universitaires de France, 1992.
- Stefani, Gaston et Levasseur, Georges, Droit pénal général et criminologie. Paris: Dalloz, 1957.
- Stefani, Gaston ; Levasseur, Georges et Bouloc, Bernard, Droit pénal général. Paris: Dalloz, 1992.
- Vermelle, Georges, Le Nouveau droit pénal. Paris: Dalloz, 1994.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. X, No. 2

2011-2

Articles

- The Differences between Mistake and Ignorance to the Subject-Matter of Contract
- Bankruptcy in Fault and Fraud: From Commercial Code to Islamic Penal Code
- Complicity in Unintentional Crimes
- Concept and Nature of Future Contracts
- Analysis The Theory of the Unification of Transnational Commercial Contracts Law
- Peace and Human Rights in Curriculum under the International Instruments

Special Issue: Cultural Heritage Law: Capacities and Challenges

- Unable Justice and Preservation of Cultural Heritage
- Islamic Penal Code of Iran on Crimes against Cultural Property: 566 bis Article
- Copyright Protection for Architectural Works
- Some Strategic Developments in Restitution of the Cultural Property in Contemporary International Law
- New Developments in Restitution of Cultural Property with a View to Restitution of Indigenous People's Cultural Property
- The Protection of Cultural Property in Times of Armed Conflicts: The Practice of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia
- "Functional" Concept Evolution of Cultural Property in a More Humanization of International Law
- Deficiencies in Legislations for Protection of Cultural Heritage
- Right on the Historical Name of the Persian Gulf from the Perspective of International Law
- Examining Various Mechanisms for International Disputes over Cultural Properties



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study

ISSN: 1682-9220